

جایگاه قفقاز شمالی در سیاست‌های تل‌آویو؛ دست‌های پنهان صهیونیست در گرجستان

wellpromised/خبرگزاری آران

عطا بهرامی

خبرگزاری آران/سرویس گرجستان

«آرتور کسلر» که یک یهودی است می‌نویسد که ریشه‌های یهودی مدرن را نباید در فلسطین، که باید در قفقاز جست‌وجو کرد. یهودیان نه از مدیترانه، که از قفقاز به اوکراین، لهستان و از آن جا به اروپای مرکزی سرازیر شده‌اند. آیا در سیاست‌های رژیم صهیونیستی این منطقه، به فراموشی سپرده شده است؟

گروه سیاسی برهان/ عطا بهرامی؛ منطقه‌ی قفقاز در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار دارد. اهمیت ژئوپلیتیک منطقه، غیرقابل چشم‌پوشی است و همین مسأله باعث رقابت شدیدی بین بازیگران مؤثر در آن جا شده است. رژیم اسرائیل نیز برای افزایش امنیت خود با استفاده از نفوذ در همسایگان و کمک به کشیدن دیوار حایلی در منطقه‌ی قفقاز بر مرزهای روسیه که آمریکایی‌ها پی‌ریزی کرده‌اند، تلاش می‌کند. سیاست این رژیم همواره شکستن قدرت‌های بزرگ در منطقه و تبدیل آن‌ها به قدرت‌هایی کوچک‌تر بوده که قابل کنترل باشند.

در قفقاز شمالی این سیاست ابعاد متفاوت و پیچیده‌ای دارد. هنگامی که از قفقاز شمالی صحبت می‌کنیم، منظور اصلی ما «گرجستان» است. روسیه به عنوان کسی که با ابزار آمریکا و اسرائیل؛ یعنی گرجستان وارد درگیری شدیدی شده هدف این سیاست قرار گرفته است. اگرچه روسیه از اسرائیل دور است و تهدیدی علیه این رژیم محسوب نمی‌شود اما در این جا سیاست اسرائیل در خدمت سیاست کلان ایالات متحده قرار گرفته است. آمریکا از فردای پس از جنگ سرد تمام تلاش خود را برای شکستن قدرت‌های منطقه‌ای به جهت از بین بردن هرگونه چالش بالقوه برای ایالات متحده به کار برده است. رژیم صهیونیستی نیز در این سیاست با آمریکا همراه و همگام است. البته انتظارهای اسرائیل از حضور در قفقاز وسیع‌تر بوده و به حوزه‌ی ادعاهای تاریخی نیز مرتبط می‌باشد.

گرجستان به عنوان یکی از کشورهایی که تزارها با زور سرنیزه به روسیه ملحق کرده بودند، مانند سایر جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی در تلاش است ضمانت‌هایی برای جلوگیری از سلطه‌ی مجدد روس‌ها بیابد و راه حلی که این کشور برگزیده است استفاده از ظرفیت قدرت‌های فرا منطقه‌ای، سازمان‌های امنیتی و اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند؛ آمریکا و رژیم صهیونیستی، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناٹو) و اتحادیه‌ی اروپا است. هر کدام از این موضوعات بحث‌های خاص خود را می‌طلبند که از موضوع نوشتار حاضر خارج است و در این جا تنها روابط رژیم اسرائیل و گرجستان با تأکید بر نقاط عطفی مانند جنگ قفقاز 2008 مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

گرجستان، طبق برآوردهای جمعیتی سال 2007 دارای جمعیتی یهودی به میزان 127,245 نفر، معادل 1.4 جمعیت 9 میلیونی این کشور است. در کابینه‌ی این کشور نیز همواره وزرای یهودی حضور داشته‌اند. در سال 2008 و در هنگام آغاز جنگ «ولادیمیر گورچیندزه» نخست‌وزیر، «یعقوباشویلی» وزیر بازم‌گرای و «دیوید کزاراشویلی» (به معنی فرزند خزر) وزیر دفاع که شهروندی اسرائیل را نیز دارد، گرجستان یهودی بودند. «لاشا ژوانیا» سفیر سابق گرجستان در اسرائیل دارای مادری یهودی است. لابی یهودیان در گرجستان بر سیاست این کشور تسلط دارد و مناسبات آن با دنیای خارج را تنظیم می‌کند.

روابط اقتصادی

مناسبات اقتصادی اسرائیل و گرجستان در سال‌های اخیر همواره فزاینده بوده است. در مارس 2011، دپارتمان توسعه‌ی اقتصادی گرجستان سفری به اسرائیل با تمرکز بر امور کشاورزی، فن‌آوری‌های پیشرفته و انرژی‌های جایگزین ترتیب داد. «سونی پردو» در سفری به اسرائیل در سال 2005 با تأکید بر افزایش مناسبات دو طرف گفت که اسرائیل در زمینه یفن‌آوری، پیشتاز است و یکی از عمده‌ترین شرکای ما است. [1] گرجستان یکی از 22 کشوری است که موافقت‌نامه‌ی همکاری با اسرائیل را امضا کرده است. نخستین همکاری‌های طرفین به سال 1992 باز می‌گردد که در آن توافق‌هایی برای همکاری در حوزه‌های؛ فن‌آوری‌های نوین در حوزه‌های کشاورزی و صنعتی، افزایش تجارت، تشویق توریسم و برنامه‌های مشترک در توسعه‌ی اقتصادی، عملیاتی شد. هم‌اکنون بیش از 100 شرکت گرجستانی در اسرائیل مشغول فعالیت هستند.

اسرائیل خود را نه تنها به عنوان یک سرمایه‌گذار مستقیم در گرجستان مطرح کرده، بلکه به گرجی‌ها نیز فهمانده است که راه سرمایه‌گذاری خارجی در گرجستان از «اورشلیم» می‌گذرد و تأیید این رژیم امری الزامی است.

در جشن 60 سالگی رژیم صهیونیستی (2008)، اجلاس مشترک در تغلیس برگزار شد که شعار طرفین «با هم می‌سازیم» بود. در این اجلاس بیش از 60 نفر از عمده‌سرمایه‌داران اسرائیلی حضور داشتند. «اکتارین شراشیدزه» وزیر توسعه‌ی گرجستان در این باره گفت که این مناسبات برای آن‌ها بسیار مهم است. صدها طرح به وسیله‌ی اسرائیل در گرجستان در حال راه‌اندازی است و این اجلاس برای جذب سرمایه‌گذاری بسیار اهمیت دارد، صنعت جدید و شغل جدید می‌آفریند.

این اظهارنظرها نشان می‌دهد که اسرائیل خود را نه تنها به عنوان یک سرمایه‌گذار مستقیم در این کشور مطرح کرده، بلکه به گرجی‌ها نیز فهمانده است که راه سرمایه‌گذاری خارجی در گرجستان از «اورشلیم» می‌گذرد و تأیید این رژیم امری الزامی است.

در این جا ذکر به اختصار یک مورد مهم ضروری است. سال‌ها است که بحث سرمایه‌گذاری خارجی و اهمیت آن در اشتغال و توسعه مطرح شده است. با وجود بحث‌های بسیار زیادی که در این باره وجود دارد به مسأله‌ی کلیدی رژیم‌های سرمایه‌گذاری که بحثی نو می‌باشد، پرداخته نشده است. برخورد به مسأله‌ی سرمایه‌گذاری خارجی همواره بسیار ساده، ابتدایی و با این پیش‌فرض بوده است که حرکت سرمایه‌ها تنها براساس مزیت‌های نسبی است، در حالی که رژیم‌های سرمایه‌گذاری کلیدواژه‌ی این موضوع هستند. حرکت سرمایه در جهان تنها از متغیرهای ساده‌ی اقتصادی پیروی نمی‌کند و اشاره‌ی سران رژیم اسرائیل به گرجی‌ها به این دلیل است که به آن‌ها بفهمانند که این‌ها هستند که می‌توانند جریان سرمایه را به سمت این کشور هدایت کنند و یا مانع آن شوند.

ارزش صادرات اسرائیل به گرجستان در سال 2008 میلادی 918 میلیون دلار بود. گرجستان در حال تبدیل به بزرگ‌ترین محل برای صادرات نظامی اسرائیل است. [2] با این وجود، این رژیم برای همراه کردن روسیه با خود در نفروختن سامانه‌های دفاعی S300 به ایران، به این کشور قول فروش هواپیماهای بدون سرنشین را داده است. منافع متناقض اسرائیل در قفقاز شمالی باعث گرفتاری سران اسرائیل و سفرهای پیاپی آن‌ها به روسیه و گرجستان برای حفظ موازنه بین منافع متناقض آن شده است.

پیش از جنگ گرجستان و روسیه در سال 2008، در سال‌های 2006 و 2007 این کشور رشدی نزدیک به 10 درصد را در تولید ناخالص داخلی (GDP) خود تجربه می‌کرد که آن را ناشی از سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی می‌دانست. رشد اقتصادی این کشور در سال 2010، 5.5 درصد بود. این مهم نشان می‌دهد که این کشور برای اقدام علیه روسیه در سال‌های منتهی به جنگ قفقاز، از همه جهت در حال آماده شدن بوده است. البته اقتصاد این کشور کوچک بوده و تولید ناخالص داخلی آن تنها 11.234 میلیارد دلار آمریکا است. در فاصله‌ی یسال‌های 1997 تا 2006 ارزش صادرات نظامی اسرائیل به گرجستان نزدیک به 500 میلیون دلار بوده است.

مشکلات اسرائیل در روابط با گرجستان

موانعی اساسی نیز برای نفوذ این رژیم در گرجستان وجود دارد. پس از جنگ قفقاز و غلبه‌ی نیروهای روسیه بر گرجستان و تصرف اوستیا، اسرائیل خود را در موقعیت وخیمی یافت. با این که سلاح

های این رژیم 37 میگ بدون سرنشین روسیه را سرنگون کردند، اما اسرائیل با تهدید روسیه مبنی بر این که در صورت تداوم فروش سلاح به گرجستان، با تلافی فروش سلاح های پیشرفته به دشمنان اسرائیل در خاورمیانه مواجه خواهد شد، باعث دزدی سران این رژیم شد. اسرائیل توانست در جنگ قفقاز کمک رسانه ای عظیمی با استفاده از رسانه های یهودی غربی در اختیار گرجستان قرار دهد. به فاصله ی دو هفته، رسانه های غربی سه رویکرد را درباره ی جنگ قفقاز در پیش گرفتند.

1. گام اول، تهاجم گرجستان به اوستیا

2. گام دوم، جنگ بین روسیه و گرجستان

3. گام سوم، حمله ی روسیه به گرجستان

این تحریف آشکار واقعیت باعث شد که «ولادیمیر پوتین» نخست وزیر روسیه به صراحت اعلام کند که ما از سلاح های غربی ها ترسی نداریم، ترس ما از رسانه های آن ها است. توانایی روسیه برای حمایت از دشمنان اسرائیل در خاورمیانه باعث شده است تا این رژیم نتواند چنان که می خواهد از گرجستان حمایت کند و ناگزیر است کمک های خود را به صورت غیرمستقیم در اختیار این کشور قرار دهد. این رژیم ادعاهای تاریخی نیز در خزر دارد و آن جا را مأوای تاریخی یهودیان می داند. روز 12 آگوست 2008، ولادیمیر گورجنیدزه نسخه ی وزیر یهودی گرجستان در یک تماس تلفنی با تل آویو از «رابی آهارون لیب استینمان» خواست که برای آن ها در جنگ با روسیه دعا کند. اسرائیل بیش از 1000 مستشار بلندپایه ی نظامی در گرجستان دارد و بسیاری از ژنرال های بازنشسته ی این رژیم نیز در گرجستان زندگی می کنند.

یهودی ها در منطقه ی قفقاز ادعاهای تاریخی وسیعی دارند. «آرتور کسلر» که خود نیز یک یهودی است درباره ی ریشه های یهودی مدرن می نویسد که آن را نباید در فلسطین که باید در قفقاز جست وجو کرد. یهودیان نه از مدیترانه که از قفقاز به اوکراین، لهستان و از آن جا به اروپای مرکزی سرازیر شده اند. آن ها در قرن 9 میلادی دارای حکومت وسیعی میان دریای خزر و دریای سیاه بوده اند.

حضور همه جانبه ی اسرائیل در منطقه ی قفقاز و سرمایه گذاری عظیم آن به خصوص در گرجستان نشان می دهد که این منطقه در سیاست کلان این رژیم دارای جایگاه مهمی است و کلید راهبردهای آینده برای اعمال فشار بر روسیه و هم چنین گسترش جبهه ی مواجهه به جهان اسلام در خاورمیانه به شمار می رود.

1. <http://www.israel21c.org/social-action/israel-and-georgia-create-a-peach-of-a-business-environment>

2. EconimuWatchIsrael Export, Import and Trade

http://www.economywatch.com/world_economy/israel/export-import.html

(*) عطا بهرامی؛ سردبیر بخش پژوهش های ایرنا